

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی فرمایش صاحب وسائل (رضوان الله عليه)

عرض کردیم که مرحوم صاحب وسائل (قدس سره) بعد از نقل روایاتی که در آنها صیغه عقد نکاح با صیغه مضارع آمده، فرمود «و الاحوط الاتيان في الايجاب و القبول بصيغة الماضي»؛ احوط این است که ایجاب و قبول، به صیغه ماضی آورده شود. این احتیاط، ظهور در احتیاط وجوبی دارد. دلیل ایشان این است که در همین کتاب وسائل، در باب اول از ابواب عقد نکاح، روایاتی را ذکر کرده‌ایم که از آنها اعتبار ماضویت استفاده می‌شود. عنوان باب این است: «باب اعتبار الصيغة و كيفية الايجاب و القبول». البته لازم نیست تمام روایاتش را بخوانیم، بلکه محل بررسی آنها در باب نکاح است، اما وقتی این روایات را ملاحظه کنیم می‌بینیم اکثر این روایات به صیغه ماضی آمده است. مثلاً در يك روایتی امیر المؤمنین (ع) به زنی می‌فرماید «أَلَيْكَ وَلِيٌّ؟»؛ آیا تو ولی داری؟ او عرض می‌کند: بله، برادرهایم هستند. امام (ع) از برادرها سؤال می‌کند که آیا شما موافقید که من این زن را به ازدواج مردی در بیاورم؟ آنها هم می‌گویند اختیار با شماست. حضرت (ع) هنگام خواندن صیغه عقد می‌فرماید: «إِنِّي قَدْ زَوَّجْتُ هَذَا الْعُلَامَ مِنْ هَذِهِ الْجَارِيَةِ»؛ که کلمه «زَوَّجْتُ»، به صیغه ماضی آورده است. یا در اولین روایت این باب که جریان نکاح حضرت آدم و حوا را نقل می‌کند، خداوند می‌فرماید «زَوَّجْتُكُمَا». علی‌ای حال گرچه اکثر این روایات به صیغه ماضی است، اما انصاف این است که ما نمی‌توانیم از آنها «اعتبار ماضویت» در صیغه عقد را استفاده کنیم.

نتیجه بحث «اعتبار ماضویت»

دقت کنید؛ ما از نظر استنباطی و اجتهادی، مسأله را علی‌القاعده بررسی کردیم. علی‌القاعده؛ در تحقق انشاء، بین ماضی و مضارع فرقی نیست و اگر هم ماضی در انشاء اصرح باشد، لکن ما کبری را قبول نکردیم، یعنی گفتیم اصرحیت در انشاء معتبر نیست. همین نظر را در همه عقود و حتی در باب نکاح داریم. لکن در باب نکاح، اگر کسی از این روایات، اعتبار ماضویت را استفاده کرد باید فتوا دهد. آن وقت ممکن است بگوییم بین باب نکاح و سایر ابواب عقود فرق است؛ در باب نکاح روایت داریم اما در سایر ابواب عقود روایت نداریم. حالا ممکن است از این روایات؛ کسی فتوا استفاده کند، کسی احتیاط وجوبی را استفاده کند و کسی احتیاط استحبابی را استفاده کند. مرحوم سید (ره) در عروه می‌فرماید «ماضویت معتبر نیست ولی "احتیاط استحبابی" این است که ماضی باشد». در حاشیه عروه، یزگانی مثل مرحوم محقق بروجردی (ره) و جمع دیگری؛ «احتیاط وجوبی» کرده‌اند. اما بالاخره، چه فتوا، چه احتیاط وجوبی و چه احتیاط استحبابی، تمام اینها مربوط به باب نکاح است و به نظر ما در باب عقود دیگر، مثل بیع و اجاره و امثال اینها، حتی برای «احتیاط استحبابی» هم وجه روشنی نداریم.

اعتبار صحت قرائت صیغه

در ادامه مسئله اول تحریر الوسيله، آخرین مطلبی که امام(رض) فرموده‌اند این است که: «و لا يعتبر فيه عدم اللحن من حيث المادة و الهيئته و الاعراب اذا كان دالاً على المقصود عند أبناء المحاوره و عدّ ملحونا منه لا كلاماً آخر ذكر في هذا المقام»؛ آیا بر فرضی که عربیت را معتبر بدانیم، آیا باید تمام این الفاظ، به طور صحیح قرائت شود، بطوری که اگر يك اشتباه در ماده یا در هیأت یا در اعراب بود، مثلاً بجای «بَعْتُ» گفت «بِعْتُ»، یا شبیه این، بگوییم فایده ندارد؛ امام(رض) می‌فرمایند اگر در نزد عرف، این لفظ، دالّ بر مقصود هست و بگویند این ملحون از صحیح است، و کلام دیگری نیست، صحیح است. «كما اذا قال "بعت" بفتح الباء أو بكسر العين و سكون التاء و أولى بذلك [في الصحة] اللغات المحرّفة كالمقدولة بين اهل السواد و من ضاهاهم»؛ آن لغات تحریف شده‌ای که بین بادیه نشین‌ها و کسانی که شبیه آنها هستند استعمال می‌شود، یعنی آنها «بعت» را هرچه که می‌خواهند بگویند، این چون لغتی است محرّف از همان لغت صحیح، لذا مانعی ندارد.

فرمایش مرحوم شیخ انصاری(قدس سرّه)

مرحوم شیخ(ره) در کتاب مکاسب می‌فرماید: اقوي این است که «عدم اللحن» معتبر است. سپس يك دليل و يك مؤيد براي كلام خود ذكر کرده است. دليل ایشان این است که؛ قدر متيقن اسباب نقل و انتقال، همین الفاظ صحیح است و لفظ غیر صحیح، از دایره قدر متيقن خارج است. و امّا مؤيد ایشان، کلامی است که از فخر المحققين(ره) نقل می‌کند که فرموده: باید بین «بَعْتُكَ» و «جَوَزْتُكَ» فرق گذاشت، اگر کسی در عقد بیع، بجای «بَعْتُكَ» گفت «بِعْتُكَ»، این صحیح است، امّا در عقد نکاح، اگر بجای «زَوَّجْتُكَ» گفت «جَوَزْتُكَ»، این باطل است. زیرا در جایی که بجای «بَعْتُ» می‌گوید «بِعْتُ»، این لفظ معنایی بر خلاف بیع ندارد، بلکه همان معنای بیع را دارد، اما در جایی که بجای «زَوَّجْتُكَ» می‌گوید «جَوَزْتُكَ»، اصلاً این لفظ، معنای دیگری غیر از «زوجت» دارد. سپس مرحوم شیخ(رض) فرموده است: «اللغات المحرّفة اذا لم يتغير بها المعنى لا بأس بها»؛ لغاتی که تحریف می‌شود، اگر مغیر معنا نباشد اشکالی ندارد.

ملاحظه فرمایش سایر علماء

مناسب است به برخی کلمات دیگران در این باب اشاره کنیم. برخی بین این بحث و بحث قرائت در نماز تشبیه کرده‌اند، که همانطور که در باب نماز می‌گویید قرائت باید صحیح باشد، در صیغ عقود هم اگر عربیت معتبر است باید صحیح باشد. مرحوم سید(ره) - در حاشیه بر مکاسب - فرموده: «بل المتعين خلافة ما لم يتغير المعنى على وجه يخرج عن حقيقته»؛ شیخ انصاری(رض) که فرمود اقوي این است که «عدم اللحن» معتبر است، ایشان می‌فرماید: متعین؛ خلاف کلام شیخ است، ما دامیکه معنا را از حقیقت خودش خارج نکند.

تفاوت لحن در «قرائت نماز» با لحن در «صیغه عقد»

برخی به سید(ره) نسبت داده‌اند که در باب صلاة، قائل به اکتفاء به قرائت ملحون شده است. شاهد ایشان فرمایش سید(ره) در مسأله 60، احکام القراءة، کتاب الصلاة است که می‌گوید: «إذا اعتقد كون الكلمة على الوجه الكذائي من حيث الأعراب أو البناء أو مخرج الحرف فصلى مدة على تلك الكيفية ثم تبين له كونه غلطاً فالأحوط الإعادة أو القضاء وإن كان الأقوى عدم الوجوب»؛ اگر کسی اعتقاد دارد که «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» درست است، و مدتی اعراب را غلط می‌خوانده یا مدتی مخارج حروف را معتقداً بالصحة، غلط ادا می‌کرده، بعد فهمیده که اشتباه می‌خوانده؛ سید(ره) ابتدا فرموده «فالأحوط الإعادة أو

القضاء»، بعد فرموده «و ان كان الاقوى عدم الوجوب».

در همین ایام حجّ، روحانیون خیلی با این مسئله مواجه می‌شوند؛ که افراد برای تصحیح قرائت مراجعه می‌کنند و معتقد است که قرائتش صحیح است، اما روحانی ملاحظه می‌کند قرائت او غلط است. اینجا فتوای مرحوم سید(ره) این است که چنین کسی که معتقد به صحت قرائت بوده، نمازش محکوم به صحت است و نیاز به اعاده و قضا ندارد. اما کثیری از بزرگان فتوا داده‌اند یا احتیاط کرده‌اند؛ به اینکه باید اعاده یا قضا کند.

گر کسی چهل سال «إهدنا الصراط المستقیم»، یا «إهدنا الصراط المستقیم» می‌گفته، یا فرض کنید مخرج «ض» و «ذ» را جابجا ادا کرده، اما اعتقاد به صحت داشته، حال بعد از چهل سال فهمیده اشتباه بوده، کثیری از بزرگان فتوا می‌دهند که این شخص باید تمام نمازهای گذشته‌اش را اعاده کند. البته ایشان در مسئله دیگری (مسأله 37 احکام القرائة) می‌گوید: «لو أخلّ بشيء من الكلمات أو الحروف أو بدل حرفاً بحرف حتى الضاد بالطاء أو العكس بطلت و كذا لو أخل بحركة بناء أو إعراب أو مد واجب أو تشديد أو سكون لازم و كذا لو أخرج حرفاً من غير مخرجه بحيث يخرج عن صدق ذلك الحرف في عرف العرب» □

که اگر کسی در کلمه ای یا حرفی از نمازش اخلال کند، نمازش باطل است و باید اعاده کند. نکته‌ای که وجود دارد این است که در باب صلاة، کثیری از بزرگان فتوا داده‌اند که؛ اگر تغییر، مغیّر معنا هم نباشد - مثلاً بجای «إهدنا الصراط المستقیم»، بگوید «إهدنا الصراط المستقیم»، که این تغییر در اعراب، مغیّر معنا نیست-، اما باید نماز را اعاده کند. می‌خواهیم این نکته را عرض کنیم که بین باب صلاة و باب صیغ عقود فرق وجود دارد. در باب صلاة؛ چون شخص بعنوان «حکایت» قرائت می‌کند، «ما هو قرآن» یا «ما انزل علی النبی» را قرائت می‌کند، اگر بگوید «صراط المستقیم» یا بگوید «إياك نعبد» و لو مغیّر معنا هم نیست، اما این «ما انزل علی النبی» نیست.

در نماز دلیل خاص داریم که جایی که مغیّر معناست، بالاترید باطل است و باید اعاده کند، اما جایی هم که تغییر، مغیّر معنا نیست، مع ذلك باطل است، برای اینکه این شخص حکایت از قرآن نمی‌کند. لذا می‌خواهم عرض کنم اینکه برخی گفته‌اند همانطور که در باب صلاة، قرائت باید صحیح خوانده شود، در صیغ عقود هم اگر بجای «بعثت» بگوید «بعثت» باطل است و عقد محقق نمی‌شود، جواب ما این است که اصلاً این مقایسه باطل است. اکنون ملاک در خود صیغ عقود چیست؟ آیا اگر در اعراب یا ماده و یا هیأت، غلطی حادث شد بطوری که مغیّر معنا نیست، ما ملاک را تغیر و عدم تغیر در معنا قرار دهیم؟ یا ملاک را این قرار دهیم که این شخص با این لفظ، و لو غلط است، اما قصد بیع می‌کند، و همین کافی است. یعنی ممکن است تغییری در ماده و هیأت ایجاد شود و مغیّر معنا هم باشد، اما چون این شخص با همین لفظ غلط، قصد بیع کرده، بگوییم کافی است. در جایی که مغیّر معنا نباشد، از کلمات کثیری از فقهاء استفاده می‌شود که آن هم مانعی ندارد.

نظر استاد

پس در جایی که لفظ غلط، مغیّر معناست اما قصد بیع یا نکاح دارد، مثل کلامی که از فخر المحقین(ره) خواندیم، یا در موقع ایجاب عقد نکاح، بجای «زوّجت» می‌گوید «جوزت»، که مغیّر معناست اما معنای اصلی را قصد می‌کنند، به نظر ما علی القاعده این هم باید صحیح باشد و مجرد اینکه این لفظ مغیّر معناست، نمی‌تواند مانع صحت شود. می‌گوییم اگر از مُثْنِیْ بپرسیم آیا با «جوزت»، «تزویج» را انشاء کردی یا «تجویز» را؟ می‌گوید «تزویج» را انشاء کردم، منتها زبانشان به «جوزت» رایج شده است. لذا ما علی القاعده می‌گوییم و لو این لفظ مغیّر معناست اما چون با این لفظ، ایجاد «تزویج» را قصد می‌کند، اشکالی ندارد و صحیح است.

و صل الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.

